

معلمان فردا

نشریه فرهنگی - آموزشی، اسفند ۱۳۹۶

دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی

پردیس شهید باهنر

فهرست:

- ۳..... سخن سردبیر، حمید جعفری
- ۴..... در محضر ولایت، مقام معظم رهبری
- ۶..... بایسته‌های یک دانشجو، سید محمد تقی دهقانی
- ۸..... و سوگند به قلم، دکتر سعید فخاری
- ۱۳..... روش‌های تعلیم در قرآن
- ۱۸..... خاطراتی از زندگی شهید مطهری
- ۲۰..... گزارش محرمانه، احمد رضایی
- ۲۱..... آسیب‌های ماهواره، احمد اکبری
- ۲۴..... داستان کوتاه «صلح کل»
- ۲۶..... دانشگاه به روایت تصویر

سخن سردبیر:

حمید جعفری



«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۱

اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. در مقام و منزلت والا و رفیع معلمان گرامی، همین بس که حضرت امیر المومنین امام علی (ع) می‌فرمایند: «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً» کسی که به من یک حرف بیاموزد مرا بنده‌ی خود کرده است.^۲ ارزش و اهمیت تعلیم و تعلم و بخصوص جایگاه رفیع معلم، بر هیچ بشری پنهان نیست. یکی از مهم‌ترین مولدهای فرهنگ در یک اقلیم، بدون کوچک‌ترین تردید، معلمان شریف و گرامی هستند. معلمان‌ی که می‌سوزند ولی نمی‌سوزانند. به راه راست هدایت می‌کنند ولی گمراه نمی‌کنند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: این معلمان چه قدر عزیزند! این شغل معلمی چه قدر ارزشمند است! این مرتبه‌ی تعلیم چه قدر والا و بلند است که همه‌ی انسان‌های فرزانه،

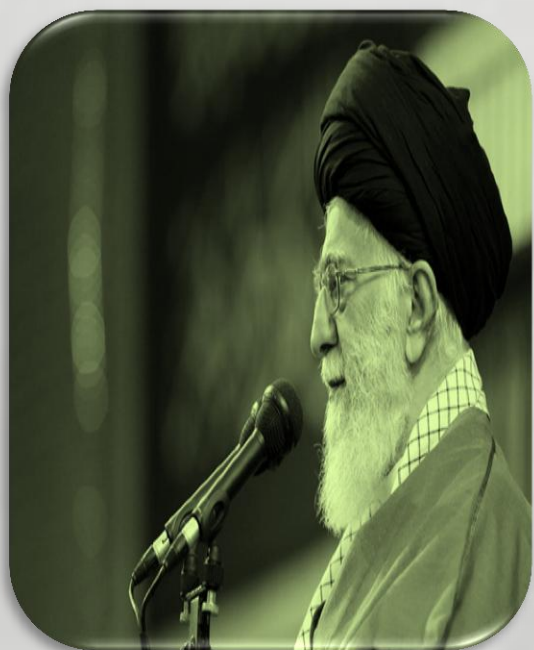
^۱- سوره مبارکه جمعه، ۲

^۲- بحار ۲، ۹۴

انسان‌های بزرگ و برجسته، هرجایی که باشند، خود را پرورده‌ی دست معلم می‌دانند و سایه‌ی معلم را بر سر خودشان حس می‌کنند! پایان کلام، امیدواریم با قدم‌های کوچکمان بتوانیم گوشه‌ای از زحمات بزرگ و بی‌دریغ این عزیزان را جبران کرده باشیم، هرچند جبران ناپذیرند.

خوشا! القاب و نام تو معلم خوشا! عزو مقام و تو معلم
سخن‌هایت بود آب حیاتم خوشا! درس و کلام تو معلم

در محضر ولایت:



اسلام برای تعلیم و تربیت اهمیت خاصی قائل است؛ چنانکه هر جا سخن از ارسال رسولان به میان می‌آورد، تعلیم و تربیت و تزکیه را برنامه اصلی آنان قرار می‌دهد. خداوند متعال برای انسان مقرر فرموده است که به اختیار خود و با پیروی از دستورات پیامبران و برنامه‌های آسمانی و با کوشش و تلاش پیگیر، کسب تعلیم و تربیت کند و به مقام شایسته انسانی

برسد؛ زیرا سرکشی غرایز حیوانی و ظلمات جهل و خواهش‌های نفسانی را جز با تربیت صحیح و الهی نمی‌توان مهار و بر طرف کرد؛ امیر مؤمنان، علی (علیه‌السلام)

می‌فرماید: «ای اسیران خواهش نفس! کوتاه بیاید و قدم فراتر ننهید، به‌راستی خواستاران دنیا را جز صدای دندان مصیبت‌ها و بلاها نمی‌ترساند؛ ای مردم! به اصلاح و تأدیب نفوس خویش پردازید و بدین وسیله آن‌ها را از آزمندی خوی‌ها و عادت‌هایشان بازگردانید» و درباره رهبران و پیشوایان می‌فرماید که پیش از رهبری، باید به تعلیم و تربیت خویش همت گمارند: «هرکس خود را پیشوای مردم نمود، بر اوست که پیش از آموزش دیگران، نخست به آموزش نفس خویش پردازد؛ و باید پیش از تأدیب و پرورش با گفتار و زبان، با عمل و روش خود دیگران را تأدیب و تربیت نماید؛ و معلّم و تربیت‌کننده نفس خود، از معلّم و تربیت‌کننده مردم به بزرگداشت و احترام سزاوارتر است» رهبر انقلاب می‌فرماید: «و من کلام له صلی الله علیه و آله: النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ» آنچه که در این جمله‌ی شریف و کوتاه و پرمغز مورد نظر است، وجود استعدادهای پنهان در هر فردی از افراد انسان است. در این حدیث می‌خواهد بفرماید: همچنان که معادنی وجود دارد که در این‌ها طلا هست، نقره هست - حالا این دو تا را به‌عنوان مثال ذکر کرده‌اند؛ معادن گوناگونی وجود دارد - و ظاهر کار، سنگ است، خاک است، زمین است، چیزی محسوس نیست، اما اگر بکاوید، اگر بشناسید، اگر قدر بدانید، در زیر همین سنگ و خاک معمولی، یک عنصر گران‌بها پیدا خواهید کرد که ارزش آن با ارزش آنچه که در ظاهر دیده می‌شود، قابل مقایسه نیست، انسان‌ها هم همین جورند؛ یک ظاهری وجود دارد که در حرکات و سکنات و گفتار و رفتار و کردار انسان‌ها، آدم این‌ها را می‌بیند؛ اما

یک باطنی هم وجود دارد که آن عبارت است از استعدادهای متراکمی که خدای متعال در وجود انسان گذاشته است.

البته این استعدادها یکسان نیستند. مریان بشر، مریان کودکان و بالخصوص جوانان که می‌خواهند از این استعدادهای خدادادی که در انسان‌ها هست، استفاده کنند، باید این استعدادها را بشناسند، قدر این استعدادها را بدانند، بعد بروند دنبالش.

انسان‌ها با استعدادهای گوناگونشان، تأمین‌کننده‌ی نیاز جوامع بشری برای سیر الی‌الله و سیر الی‌الکمال‌اند؛ همه‌ی این استعدادها باید استخراج شود. این، وظیفه‌ی مریان جوامع را سنگین می‌کند؛ وظیفه‌ی حکومت‌ها را سنگین می‌کند استعدادیابی^۱



بایسته‌های یک دانشجو

سید محمد تقی دهقانی (ریاست نهاد رهبری در دانشگاه فرهنگیان)

آنچه در کلام بزرگان ما هم چون مقام معظم رهبری وجود دارد این است که ایشان بارها فرموده‌اند: ورزش و دین و علم یادتان نرود و این‌که الآن کار هم باید

^۱ -بیانات رهبر انقلاب در جلسه درس خارج فقه، ۹۱/۱۱/۲۳

اضافه شود، یعنی ما باید دانشجویانمان را کار مدار و فعالیت مدار کنیم و صرفاً بسنده به اینکه یک سری دانش علمی را دریافت کنند و نتواند به اجرا در بیاورد نباشد.

وظیفه دانشجو این است که ولایت مدار و تیزبین باشد، مسائل روز کشور و عرصه بین‌المللی را خوب تشخیص دهد، شناخت نسبت به خودش، تاریخش، تمدن و مذهب و مکتبش داشته باشد. نسبت به آنچه که امروز در مقابل این عرصه‌ها به وجود می‌آید شناخت کاملی داشته باشد. امروز وظیفه دانشجو برای اینکه راه را گم نکند این است که خودش را خوب بشناسد. خود به معنای یک مجموعه است منظور حکومت، مکتب، تاریخ و شناخت نسبت به دشمن و اینکه چه می‌خواهد و دنبال چیست. این موارد چیزهایی است که از دانشجو انتظار می‌رود و اگر این‌گونه باشد مملکت ما مصون خواهد بود. تغییر سیاست‌های دشمن از جنگ سخت به جنگ نرم چیزی است که وجود دارد عرصه کشور ما از جنگ سخت به جنگ نرم منتقل شده است. زمانی جنگ سختی در این کشور به وجود آمد که ۸ سال به طول انجامید. عده‌ای از میان همین جوانان رفتند و کشور را نجات دادند. در جنگ تحمیلی ۸ ساله بر علیه کشور ما چیزی در حدود ۵ درصد جمعیت کشور حضور داشتند و به مقابله با دشمن شتافتند. این افراد چون خود را ساخته بودند، ولایت مدار و دین‌دار بودند و دشمن را به خوبی می‌شناختند با از خود گذشتگی خود و ایثار جان و مال خویش کشور را نجات دادند. آنچه می‌شود از دانشجو انتظار داشت این است که امروز هم باید همین اتفاق در کشور

بیافتد یعنی دانشجویان کشور فکر کنند که در پشت یک خاکریز ایستاده‌اند و در حال جنگ هستند.

انتظاراتی از جوانان آن روز بود و آن‌ها این انتظارات را برآورده کردند، حال امروز همان انتظارات از جوان به‌خصوص جوان دانشجو وجود دارد. ولی عرصه‌اش فرق می‌کند و متفاوت است. انتظار امروز از جوانان دانشجو این است که در عرصه علم‌آموزی فعال شود و بداند عرصه امروز عرصه کار است، عرصه‌اش نگاه درست اجتماعی است. باید دانشجو تلاش کند در این عرصه‌ها پیروز میدان باشد.

و سوگند به "قلم"



دکتر سعید فخاری (ریاست دانشگاه فرهنگیان

استان مرکزی)

به نام خدا

بر همه‌ی ما روشن است که مأموریت بزرگی
بر دوش خویش نهاده‌ایم؛ این مأموریت؛ از
جنس " کار برای خویش " یا " کار برای معاش "
نیست؛

بلکه " کیمیایی است که قابلیت تبدیل " مس " وجود آدمی را به " زر " ناب دارد؛
البته " این کیمیا " لبریز از " اما " و " اگر " هاست؛

که این "قلم" بخشی از آن را برای مان روایت می‌کند.

"اگر" نخست؛

تا "خویش" را نساخته‌ایم؛ امید بستن به هر طلوعی بر باغستان تربیت؛ خیال‌خامی
ست!

"اندیشه و فکر" می‌تواند ما را به جایگاه سترگ و بی‌نظیر "خودشناسی" برساند؛ به
دیگر سخن؛ تا جام جهان‌نمای درون خود را کشف نکنیم و بر گوشه‌ای از آن ننشینیم
و به آواز پر از رمز و راز "دل" گوش ندهیم؛ هیچ بانگ امیدبخشی را نمی‌شنویم!

مگر نه این است که؛ "عرش رحمان" قلب مؤمن است؛ مگر نه این است که "او"
خدایی ست که نگنجد در آسمان‌ها و زمین؛ بل درآید در "دل" مؤمن؛

پس مؤمن باشیم و به صدای "دل" خویش دل بسپاریم که؛ "خود را دریاب"!

"اگر" دوم؛

تا "خود" رشد نداده‌ای؛ امید شکوفا شدن بذره‌ای فردا؛ آرزوی خامی ست!

"معلم فردا"؛ نیاز به رشد "زیستی؛ اجتماعی؛ معرفتی و اخلاقی دارد؛

"تا ذات یافته از هستی بخشی شوی که دیگران را امید هستی بخشی تو باشد.

"اگر" سوم؛

جنس تربیت معلم؛ جنسی پربرکت و پرثمری ست؛ نه کالایی ست بلکه سودایی است
پر سود!

اگر خویش را با آن هم خوان؛ همراه و دمساز سازیم؛ آواز خوش " اخلاص و بندگی " را خواهیم شنید؛

همین اکنون که " قلم " راوی ست و برای شما خواننده عزیز روایت می کند؛ هستند " معلمان " یا " کارکنانی " که در این کسوت شریف ند؛

اما به روزمرگی سپری می کنند و ندانند قدر این سرمایه ی گرانقدر را!

آری؛ " اخلاص " اکسیری ست که تو را " معلم الگو " و چه بسا " الگوی معلمی " ت می سازد که؛ " و جعلنا للمتقين اماما "!

.....

در میان این انبوه " اگر " ها؛ گر سری به کوی " اما " ها نیز بزنیم؛ آن نیز؛ حکایتی با ما خواهد داشت.

" اما " ی نخست؛

مطالعه؛ مطالعه و پژوهش! اما نه پژوهشی که کتابخانه و رزومه ی مرا فربه سازد و اخلاق و انسانیت و تواضع را نحیف و رنجور!

بلکه خلوتی پر از حضور " کتاب " را تجربه نمودن و لذت بردن از هم نشینی با کتاب؛ که تنها بوستان و دوستان اهل معرفت است.

"اما" ی دوم؛

وقت خویش را چگونه سپری می کنی؟! وقت؛ تو را در کمند خویش اسیر کرده است؟!
و دائم فرصت ها می گذرند و در برابر نسیم فرصت ها؛ جان و دلت را صفایی
نمی دهی؟!!

یا اینکه زمان را به اسارت درآورده ای و در شکار "فرصت ها" لحظه ها به تماشا تو
نشسته اند و تو با افتخار ترنم: "به تماشا سوگند" را سر می دهی؟!
بر این "اما" درنگی بنما!

"اما" ی سوم؛

کجاییم؟ کجایید؟ به کجا می رویم؟ به کجا می روید؟ تا ندانیم در کجاییم؛ نمی دانیم به
کجا می رویم؟

اکنون در ابتدا و آغازین راه "معلمی" هستیم؛ پذیرش اینکه در ابتدا راه هستیم؛
می تواند؛ نقطه عزیمت ما برای شروعی موفقیت آمیز باشد.
به قول شفیعی کدکنی که - البته - به مناسبتی دیگر سروده بود:

"تا کجا می برد

این نقش به دیوار مرا"

شاید؛ این نقش به دیوار معلمی برساند ما را به کوی "صداقت"؛
همان گمشده ی انسانیت امروز؛ به قول سهراب:

" نرسیده به درخت؛

کوچه باغی است که از خواب خدا سبز تر است؛

و در آن "عشق" به اندازه پره‌های "صداقت" آبی است "

بنابراین؛ سه " اگر " و سه " اما "؛ و البته یک پیام؛

باز هم این پیام را از شفیع کدکنی وام می‌گیرم:

" وقتی حضور خود را دریافتم /

دیدم تمام جاده‌ها از من /

آغاز می‌شود "!

بیاییم؛ جاده‌ها زندگی خویش را بسازیم تا نسل فردا؛ چشم‌های منتظر کودکان این کهن

سرزمین؛ به دیدار ما شاد گردد؛

بذرهای " امید " را بکاریم و خوشه‌های " اخلاص و بندگی " را برداشت کنیم.

سعید فخاری

هفده / اسفند / نود و شش

در آستانه‌ی طلوع حضرت زهرا سلام الله علیها

روش های تعلیم در قرآن:



روش های تعلیم را می توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. مستقیم که عموماً گفتاری بوده و در آن ها متعلم با قصد قبلی برای یادگیری حاضر می شود؛ ۲. غیرمستقیم که کلامی و گفتاری نیست. [شیوه های تعلیم، ص ۸۳، ۱۱۶]

۱. روش های مستقیم

أ. خطابه و سخنرانی:

آیه شریفه «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ...» (نحل/۱۶، ۱۲۵) این روش را به پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) سفارش می کند. «موعظه حسنه» عبارتی است که نفس شنونده را نرم و قلبش را رقیق می سازد و این همان خطابه است. [المیزان، ج ۱۲، ص ۳۷۲] آنچه در این شیوه تعلیم مهم است سخن گفتن روشن و آشکار (نحل/۱۶، ۸۲؛ یس/۳۶، ۱۷) همراه با تأنی شمرده و با نظم زیباست، زیرا خداوند خود آیات قرآن را به شیوه ترتیل بر پیامبر خواند: «وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا» (فرقان/۲۵، ۳۲) و به پیامبر نیز دستور داد تا چنین بخواند: «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا». (مزمّل/۷۳، ۴)

ب. گفت و گو:

موفقیت این روش را می‌توان مرهون احساس مشارکت یاد گیرنده دانست. [شیوه‌های تعلیم، ص ۹۰] روش گفت‌وگو، روش‌های خردتری را در برمی‌گیرد؛ بدین شرح:

یک. پرسش* و پاسخ:

این روش در قرآن کریم نیز مشاهده می‌شود. آیاتی که با

دائرةالمعارف قرآن کریم، جلد ۷، صفحه ۶۵۴

«یستلونک» شروع می‌شود و سپس به پاسخ آن‌ها می‌پردازد از این دسته‌اند؛ مانند آیات ۱۸۹، ۲۱۵، ۲۱۷ و ۲۱۹ بقره/۲.

دو. مباحثه:

یکی از صفات مؤمنان مشورت با یکدیگر است: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ».

(شوری/۴۲، ۳۸) پیامبر نیز مکلف بود در برخی امور اجتماعی با مردم مشورت کند: «و

شاورَهُمْ فِي الْأَمْرِ». (آل عمران/۳، ۱۵۹)

سه. مجادله:

قرآن کریم این روش را با قید احسن به رسمیت می‌شناسد: «أَدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ...

وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ». (نحل/۱۶، ۱۲۵) مجادله احسن جدالی است که طرف را

به عناد و لجبازی نکشاند و مقدمات کذب را هرچند خصم آن‌ها را باور کند به کار

نبندد و از بی عفتی در کلام و سوء تعبیر اجتناب کند. [المیزان، ج ۱۲، ص ۳۷۲] آیات ۲۵۸ بقره / ۲، ۷۴ - ۸۲ انعام / ۶ و ۴۲ اسراء / ۱۷ نمونه‌هایی روشن از روش مجادله‌اند.

۲. روش‌های غیر مستقیم

أ. روش‌های مشاهده‌ای:

این روش خود مشتمل بر سه روش نمایشی، ایفای نقش و تقلید از الگوست؛ بدین شرح:

یک. روش نمایشی:

قرآن بسیار بر تفکر و تعقل تأکید می‌ورزد. اساس بیان قرآن در این گونه تأکیدها بر خورد نزدیک حسی و بررسی دقیق موضوعی حسی است. [شیوه‌های تعلیم، ص ۱۱۷ - ۱۱۸] در بسیاری از آیات قرآن صحنه‌های گوناگون طبیعت به صورت پیاپی به نمایش درآمده و ضمن زدودن غفلت، توجه دادن به آن پدیده‌ها و تشویق به تفکر در آنها، تأثیری شگرف بر نفس مخاطب می‌گذارد. آیات ۴۸ - ۵۰ روم / ۳۰، ۲۱ زمر / ۳۹ و... نمونه‌هایی از این روش‌اند. [التصویر الفنی، ص ۶۶ - ۶۸]

دو. روش ایفای نقش:

قرآن کریم در این روش مخاطب را به ایفای نقشی فرا می‌خواند که گاه نقش مورد نظر در عمل به او نشان داده می‌شود؛ مانند آنچه در آیه ۳۱ مائده / ۵ آمده است: «فَبَعَثَ اللَّهُ

غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ» و بر اساس آن قایل دریافت که باید بدن برادرش را در زمین دفن کند و گاه نقش مورد نظر به صورت غیر مستقیم به او بیان می‌شود که ثبات یک موضوع و استحکام آن یا تأکید بر اهمیت یک موضوع مورد توجه است؛ مانند ایفای نقش مادری که از آیه ۲۳۳ بقره/۲ استفاده می‌شود: «وَالْوَلَدُ يُرْضَعْنَ أَوْلَدَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ...».

سه. روش تقلید از الگو:

در این روش، یادگیری به طور مستقیم و از طریق مشاهده انجام می‌گیرد. قرآن کریم اطاعت از نیاکان و پیشینیان را نکوهیده است (بقره/۲، ۱۷)؛ لیکن اصل تبعیت جاهل از عالم را تأیید می‌کند (نحل/۱۶، ۴۳؛ انبیاء/۲۱، ۷)، بر این اساس ابراهیم و همراهان او (ممتحنه/ ۶۰، ۴)، آسیه و مریم (تحریم/ ۶۶، ۱۱ - دائرة المعارف قرآن کریم، جلد ۷، صفحه ۶۵۵۱۲) و سرانجام پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) (احزاب/ ۳۳، ۲۱) را الگوی دیگران معرفی می‌کند. در مقابل، با ارائه نمونه‌های منفی (مسد/ ۱۱۱، ۱۵) و گاه مقایسه آن‌ها با الگوهای مثبت (تحریم/ ۶۶، ۱۰ - ۱۲) ضمن بیان آسیب‌ها، بر ژرفایی تأثیر پیام می‌افزاید.

ب. روش اکتشافی:

حسن کنجکاوی، نیاز به دانستن، فهمیدن، شناخت محیط و کشف حقیقت، از ویژگی‌های بارز انسان است و این انگیزه انسان را به سوی بررسی، تحقیق و تفکر

سوق می‌دهد. لذتی که انسان از حل مستقل مسئله احساس می‌کند به مراتب بیشتر از آن است که شخصی دیگر کلید حل معما را در اختیارش قرار دهد. [شیوه‌های تعلیم، ص ۱۶۳] روش‌های زیر مجموعه روش اکتشافی‌اند:

یک. روش مقایسه‌ای:

در یادگیری مطالب ارتباط میان مفاهیم نقش اساسی را بر عهده دارد؛ به این معنا که هرگاه انسان موفق شود میان چند مفهوم رابطه موجود را کشف کند ذهن او از این ارتباط منطقی به مفهومی جدید می‌رسد و آن را فرا می‌گیرد. قرآن کریم در آیه ۲۵۶ بقره ۲ به خوبی تذکر داده است که وقتی مرز میان رشد و غیّ روشن بوده و تشخیص آن‌ها از هم دشوار نباشد در اجرای دین الهی اجبار و اکراهی نیست، بلکه مردم هم فطرتاً و هم عقلاً با جان و دل آن را می‌پذیرند. آیات ۲۴ هود / ۱۱؛ ۱۶ رعد / ۱۳ و ۳۹ یوسف / ۱۲ نمونه‌هایی روشن از کاربرد روش مقایسه‌ای‌اند.

دو. روش تمثیل:

علامه طباطبایی ذیل آیه ۸۹ اسراء / ۱۷ می‌فرماید: «تصریف امثال» به معنای برگرداندن و دوباره آوردن و با بیان‌ها و اسلوب‌های گوناگون ایراد کردن است و مثّل به معنای وصف مقصود است به چیزی که آن را ممثّل و مجسم و به ذهن شنونده نزدیک کند. [المیزان، ج ۱۳، ص ۲۰۱] آیه ۲۱ حشر / ۵۹ این روش را برانگیزاننده تفکر انسان‌ها و دانشمندان می‌داند.

سه. روش قصه گویی:

قرآن بسیاری از مباحث اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی را در قالب قصه بیان می کند و هدف از قصه گویی را عبرت گرفتن از گذشتگان و تاریخ آن ها: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولَى الْأَلْبَابِ» (یوسف / ۱۲، ۱۱۱) و واداشتن انسان ها به تفکر: «فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف / ۷، ۱۷۶) بیان کرده است.

خاطرات استاد شهید:

پشت در مکتب خانه:



شهید مطهری از سن ۵ سالگی اشتیاق و علاقه خود را به مکتب خانه و درس نشان می داد، به طوری که در یک شب مهتابی که نور ماه حیاط را روشن کرده بود، او به خیال اینکه صبح شده است،

دفتر و کتابش را برداشته، به سوی مکتب خانه روان شد و هنگامی که با در بسته مکتب خانه مواجه گردید، همان جا به خواب رفت، صبح فردا پدر و مادر متوجه شدند که مرتضی در خانه نیست،

با نگرانی در کوی و برزن به دنبالش گشتند و سرانجام او را در پشت مکتب خانه در حالی که آرام خوابیده بود، یافتند.

همواره با وضو:

استاد همواره با وضو در کلاس حضور می‌یافت و حضورش آن‌چنان روحانیتی به مجلس می‌بخشید که شنونده، با تمام وجود معنویت و قداست آن را در می‌یافت. شهید مطهری در بیست و چهار سالی که در دانشگاه تدریس می‌کرد، همواره به دانشجویان توصیه می‌نمود که دانشگاه به منزله مسجد است، سعی کنید بی وضو به دانشگاه نیایید. ایشان به یک از دانشجویان فرمود: «من هیچ وقت بدون وضو وارد دانشگاه (کلاس) نشده‌ام».

بالاترین نمره:

سال ۱۳۳۲ ایشان برای کسب گواهی تدریس از قم به تهران آمد و در روز امتحان رشته معقول (۱) شاگرداول شد، پس از برگزاری جلسه امتحان به مدرسه مروی آمد و گفت: هنگامی که برای امتحان شرح منظومه به جلسه هیأت ممتحنه رفته بودم قبل از من یک آقای سؤالی کردند که ترتیب ماده و صورت چگونه است و شرح منظومه را به او دادند که بخواند ولی نتوانست آن را جواب بدهد، نوبت به من که رسید همه سؤال‌های آن‌ها را پاسخ دادم، و هر آنچه را از من می‌خواستند، تحقیق نمودم، بعد هیأت ممتحنه (۲) به اتفاق گفتند: «حیف، که نمره دادن بالاتر از ۲۰ مقدور نیست» شاید برای آنان بسیار سخت بود که به یک طلبه نمره ۲۰ بدهند و این قدر هم خضوع

بکنند. راوی: آیت‌الله جوادی آملی ۱- رئیس دانشگاه ۲- رئیس هیات آقای راشد بوده است.



گزارش محرمانه

احمد رضایی

گزارش محرمانه‌ای که در کتاب «گزارش‌های

تاریخی سیاسی علاءالملک» آورده شده است از سرهنگ زالاتارف در مجمع سران ارتش روسیه تزاری بوده است که بر اثر رقابت میان روس و فرانسه به دست سفارتخانه ایران در روسیه تزاری رسیده و بعد از ترجمه در تاریخ چهارم جمادی الآخر ۱۳۰۶ ه ق به ایران ارسال شده است مندرجات این سند ارزشمند از نظر روابط سیاسی ایران و روس اهمیت بسیار دارد و نشان می‌دهد دولت روس تزاری قصد تجاوز و تصرف مناطق شمالی ایران را داشته همچنین نشان می‌دهد ناصرالدین شاه قاجار و اتابک (صدراعظم) با چه مشکلات خطرناکی روبرو بوده‌اند که به قسمت‌هایی از متن گزارش اشاره می‌شود.

عیب بزرگ قشون ایران دو چیز است یکی وضع سربازگیری و دیگری در تعلیم و تربیت آن‌ها، مادامی که در این دو باب عمده تغییرات کلی داده نشود جمیع مساعی

شاه و مخارج زیاد دولت بی بهره خواهد شد. سربازگیری در ایران به موجب مقدار مالیات می‌باشد و نه به اندازه‌ی جمعیت و جدا از این، هر سرباز می‌تواند پول داده کسی دیگر را به جای خود معین کند. انتخاب و تعیین صاحب منصب از سربازگیری هم بی قاعده تر است زیرا که صاحب منصبان لازم نیست که اطلاعات از علم نظامی داشته باشند.

اغلب تفنگ‌هایی که دولت ایران خریده است یا از تفنگ‌هایی هستند که تغییر داده و تعمیر کرده‌اند و یا از تفنگ‌های بد می‌باشند این اسلحه را خیلی بد نگه می‌دارند و سربازها تیراندازی یاد نگرفته‌اند... توپخانه تهران از برای نما است.

اهالی آذربایجان در استعداد نظامی و جنگی تقدم به اهالی سایر ایلات ایران دارند حوالی دریاچه ارومیه نسبت به سایر قطعات این ایالت، آباد و مسکونی‌تر است و اهالی آنجا اصلاً ترک و تاتار و شیعه مذهب و دشمن عثمانی هستند و قشون زیاد می‌دهند و به دولت خودشان کمال عبودیت و انقیاد را دارند.

آسیب های ماهواره

احمد اکبری



ابتدا چنین به نظر می‌آمد که پیشرفت رسانه‌های ماهواره‌ای پدیده‌ای کاملاً مطلوب و عاری از خطاست

برای تحقق دهکده جهانی لازم و ضروری است گرچه ماهواره و فناوری‌های جدید ارتباطی سهم بسزایی در پیشرفت علم و رفاه انسانی دارند اما در تجربه کوتاه و چندین ساله معلوم شد دارای برخی آسیب‌ها و پیامدهای منفی نیز هست. با شناخت به موقع این آسیب‌ها می‌توان زمینه را برای بهره‌برداری هرچه بهتر از این فناوری آماده ساخت بنابراین در این مقاله بر آن شدیم شما را با برخی از آسیب‌ها و پیامدهای منفی ماهواره برای کودکان و جوانان و بزرگسالان آشنا کنیم.

ترویج خشونت

یکی از مهم‌ترین و آشکارترین پیامدهای منفی فیلم‌ها و برنامه‌های شبکه‌های اجتماعی افزایش خشونت در جامعه است. تحقیقات مختلف روان‌شناسی با محوریت نظریه یادگیری مشاهده‌ای آلبرت بندورا نشان داده‌اند مشاهده صحنه‌های خشونت‌آمیز گرایش به پرخاشگری را در بینندگان آن بالا می‌برد و این درحالی است که حجم قابل مشاهده برنامه ماهواره‌ای به فیلم‌های سینمایی و سریال‌هایی اختصاص دارند که در آن صحنه‌های خشونت‌آمیز به‌طور مکرر تکرار می‌شود و سهل و آسان نشان دادن کشتار و قتل و هرگونه جنایت با سلاح سرد و گرم ترس‌بیننده را فرومی‌ریزد درواقع هنگامی که بیننده ساعت‌های متوالی چنین برنامه‌هایی را می‌بیند گویا در کلاس آموزش ترویج خشونت قرار گرفته است این تأثیرپذیری بر روی کودکان و نوجوانان بیشتر و قابل تحمل‌تر است.

بلوغ زودرس و دسترسی سریع به اطلاعات جنسی

اکثر سریال‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ای به راحتی و بدون هیچ سانسوری مسائل جنسی را مطرح می‌کنند و نمایش می‌دهند این شیوه ارائه اطلاعات حتی در آگهی‌های بازرگانی ماهواره‌ای به وفور دیده می‌شود متأسفانه بارها مشاهده شد فرزندان کوچک خانواده بدون هیچ محدودیتی در کنار والدین به تماشای این صحنه‌ها پرداخته‌اند این در حالی است که هیچ گونه ظرفیتی برای پذیرش این گونه اطلاعات ندارند و در نتیجه تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند بلوغ زودرس یکی از نتایج منفی این مسئله است الگوگیری و تکرار عمل مشاهده شده با فرزندان کوچک تر نیز بارها به علت همین مسئله گزارش شده است.

باورهای غلط در مسائل عاطفی و جنسی

تبلیغات غلط و غلو شده در شبکه‌های ماهواره‌ای دائماً بر توانایی جنسی افراد مجرد و متأهل تأکید می‌کنند می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری باورهای غلط و اطلاعات غلط در زمینه مسائل جنسی افراد شود این برنامه‌ها و تبلیغات که هدفی جز فروش محصولات خود ندارند باعث شدند بسیاری درباره چگونگی توانمندی‌های جنسی خود شک کنند و در پی درمان‌های نادرست بروند از سویی اطلاعاتی که برنامه‌های ماهواره‌ای درباره چگونگی روابط عاطفی در سریال‌های خود نشان می‌دهند باعث شکل‌گیری سبک‌های نادرست ارتباطی بین جوانان می‌شود.

فراهم‌سازی گسست و درگیری بین نسلی

تأثیر برنامه‌های ماهواره‌ای بر روی فرزندان خانواده یا همین نوجوانان و جوانان بیشتر است به طوری که این گروه زمان بیشتری صرف تماشای ماهواره می‌کنند این برنامه‌ها ارزش‌ها، باورها، تصورات؛ انتظارات جهت‌گیری‌های ارزشی متفاوتی را عرضه می‌کنند که باعث می‌شود به مرور زمان فاصله روانی بین والدین و فرزندان بیشتر و بیشتر شود و به انقطاع یا گسست نسلی بینجامد البته شکاف بین نسلی در بستر رشد و پیشرفت تجارب متفاوت اجتناب ناپذیر است و حتی زمینه ترقی و تعالی را فراهم می‌کند اما گسست و درگیری بین نسلی شدیدتر خواهد بود و می‌توان آن را تا حدودی منفی ارزیابی کرد زیرا در این وضعیت غالباً نوجوانان و جوانان می‌کوشند آخرین پیوندهای وابستگی خود را از والدین یا نسل بالغ بگسلند و اغلب در این راه به گردن کشی و طغیان گری می‌پردازند خلاصه که آن در یک گسست نسلی به جای تعامل بر سر ارزش‌ها جنگی تمام عیار شکل می‌گیرد اختلافات و درگیری‌های شدید بین فرزندان و والدین ترک منزل بدون اطلاع حرمت شکنی‌ها نتیجه این فرایند است.



داستان کوتاه «صلح کل»^۱

حمید جعفری

—گریه نکن، الآن اینجا نشسته و داره می‌خنده.

^۱ - در احوالات استاد اخلاق، آیت الله علی قاضی، معروف به صلح کل

تنهایی، تنها دوستش بود. نمی‌دانم او تنهایی را دوست داشت یا تنهایی او را. ستاره‌ی سهیلی بود حتی در وادی سلام. انگار آب می‌شد و در زمین فرو می‌رفت. ولی او آب نبود... نه! حکایت او، حکایت دریا بود. دریایی بی ساحل. ولی نمی‌دانم چرا همیشه عطش داشت. خودش می‌گفت از درون می‌سوزم؛ اما هیچ‌کس نمی‌دانست این آتش از کجاست! گاهی نیمه‌های شب به وسط حیاط می‌دوید و در حالی که به آسمان نگاه می‌کرد، اشعاری مبهم را زیر لب زمزمه می‌کرد. بعضی از آن‌ها را هم در دفتری نوشته بود ولی یک روز آن دفتر را به آتش کشید. تنها تفریحش قدم زدن در وادی سلام بود. گاهی در آنجا، روز را به شب و شب را به روز می‌دوخت. وقتی علتش را می‌رسیدند، می‌خندید و می‌گفت: «وادی سلام بهشت است.» از جامعه گریزان بود. فقط ظهرها به عشق حرم شاه نجف به قلب شهر می‌زد. عبا را بر سرش می‌کشید. نمی‌خواست تا کسی او را بشناسد. مخفیانه از کوچه‌های خلوت شهر خودش را به آنجا می‌رساند. کبوتر جلد حرم بود هر چند پر و بالش را زخمی کرده بودند. زخمی دوران بود. هنگامی که در یکی از مدارس قدیمی مخفیانه تعدادی شاگرد را درس می‌داد، عده‌ای می‌آمدند و کلاسش را به هم می‌ریختند. فرش را از زیر پایش می‌کشیدند. دشنامش می‌دادند ولی او همیشه صلح کل بود. دور از جنگ و جدل. صبر را به خوبی آموخته بود. عاشق گمنامی بود. از شهرت گریزان بود. آن را آفت می‌دانست. هیچ‌کس او را نمی‌شناخت و روزها همین گونه می‌گذشت تا زمانی که آن ماجرا رخ داد و دیگر همه او را شناختند. خورشید تا ابد پشت ابر نماند. او از مردم گریزان بود و حالا همه به

دنبالش بودند. رهایش نمی کردند. ناچار از بین آن‌ها چند نفر را گلچین کرد؛ محمدتقی بهجت، محمدحسین طباطبایی؛ عبدالکریم کشمیری و چند نفر دیگر که بعدها همه‌ی آن‌ها درخشیدند. یک روز که بعد از درس به خانه می آمد همسرش را دید که در وسط حیاط روی جنازه‌ی پسر ده ساله اش افتاده و گریه می کند. برق جان پسرش را گرفته بود. آیه‌ی استرجاع را خواند و کنار همسرش نشست و گفت:

-گریه نکن، الآن اینجا نشسته و داره می خنده.

دانشگاه به روایت تصویر:



مراسم عزاداری شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)، در دانشگاه فرهنگیان اراک



تیم فوتبال کارکنان دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر اراک



حضور دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان پردیس زینب کبری (س) در همایش روز درختکاری



تقدیر سرپرست محترم امور پردیس‌های استان مرکزی از همکاران و دانشجو همیاران پردیس شهید باهنر



برگزاری دوره معارف قرآن، نماز و مهدویت (طرح معراج)

نشریه فرهنگی - آموزشی معلمان فردا، اسفند ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی

مدیر مسئول: علی اناری (با کمک و راهنمایی استاد احمد رضایی)

سردبیر، ویراستار و تنظیم: حمید جعفری

با تشکر از: ریاست دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی، دکتر سعید فخاری عزیز - امور فرهنگی پردیس جناب آقای احمد رضایی و نیز جناب آقای مهر پور - نهاد مقام معظم رهبری پردیس بخصوص جناب آقای شاه‌محمدی و همهی عزیزانی که در این راه ما را یاری نموده‌اند...

هرچند برای انتشار این نشریه تلاش بسیار شده است اما بدون شک نشریه مذکور خالی از اشکال نیست؛ بنابراین نظرات و انتقادات شما دوستان گرامی می‌تواند ما را در بهتر و بهتر شدن نشریه کمک فراوان کند.

صندوق انتقادات و پیشنهادات:

Hamid-jafari@mihanmail.ir